

حیفا ۳ کانون ثانی - ۱۹۲۰ عبدالبهاء

عباس - فیرهوپ الاباما...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



حیفا ۳ کانون ثانی - ۱۹۲۰ عبدالبهاء عباس

فیرهوپ الاباما جناب مستر دیلی علیه بهاء الله

هو الله

ای بنده صادق جمال ابهی، مکتوب آنجناب واصل و مضمون واضح گشت. از فضل حق امید چنین است که بتأیید شدید موفق گردی و لسان بحامد و نعوت ربّ قدیم بگشائی. آیات هدی ترتیل نمائی و آیات تقی برافرازی ولوله در آفاق اندازی. روح مجسم گردی و نور مصور شوی، شمع ساطع گردی و نجم بازغ شوی. از مواهب جمال ابهی امیدوار باش زیرا خاک را تابناک نماید و سنگ را گوهر خوش رنگ فرماید، خزف را لؤلؤ لثلا کند و سنگ سیاه را الماس گرانها فرماید.

در خصوص آیه ۲۶ از اصحاب تاسع دانیال سؤال نموده بودید که هر چند آیه ۲۴ معنیش واضح شد اما آیه ۲۶ هنوز حقیقتش مجهول.

ای یار مهربان، بدان که در آیه ۲۵ نیز هفت هفته و شصت و دو هفته بیان میفرماید و تفصیلش این است.



ORIGINAL



AUDIO

دو تاریخ بیان میفرمایند یک تاریخ بدایتش صدور امر ارتاکزرس بتجدید بنای اورشلیم. و نهایتش صعود حضرت مسیح و آن هفتاد هفته است. و تاریخ ثانی بدایتش از اتمام بنای اورشلیم است تا صعود حضرت مسیح شصت و دو هفته است. زیرا تجدید بنای اورشلیم هفت هفته امتداد یافته که عبارت از چهل و نه سال است و از تاریخ اتمام بنای بیت تا صعود مسیح شصت و دو هفته و در هفته شصت و سیم که متصل بآن است و در عقب آن مطابق صعود مسیح است این هفت هفته مدّت بنای تجدید اورشلیم است.

پس چون بدایت تاریخ را صدور امر ارتاکزرس نمائی هفتاد هفته میشود و چون بدایت تاریخ را از اتمام و انتهای بنای اورشلیم گیری شصت و دو هفته شود.

ای بنده الهی، بر مشقّات و بلائیای تو مّطعم این را حکمتی است و بعد خود شما مّطعم خواهید شد. حال باید که نهایت صبر و تحمّل را مجری دارید. این مشقّات و زحمات زائل گردد و وقت خوش پیش آید. و این بلایا و مصائب از قصور شما نیست ولی از حکمتهای بالغه است.

در خصوص اکتشافات روحیه بیان نموده بودید روح انسانی قوه محیطه بر حقائق اشیاء است. جمیع آنچه مشاهده میکنی از صنایع و بدایع و آثار و کشفیات وقتی در حیز غیب بوده و سرّ مکنون. روح انسانی کشف آن سرّ مکنون نموده و آنرا از حیز غیب بعالم شهود آورده. مثلاً قوه بخاریه، فتوغراف، فتوگراف، تلغراف، مسائل ریاضیه جمیع اینها وقتی سرّ مکنون و رمز مصون بوده. روح انسانی کشف این اسرار پنهان نموده و از غیب بشهود آورده پس معلوم شد روح انسانی قوه محیطه است و تصرف در حقایق اشیاء دارد و کشف اسرار مکنون در حیز ناسوت میکند. اما روح الهی کشف حقایق الهیه و اسرار کونیه در حیز لاهوت مینماید.

امیدوارم که موفق بروح الهی گردی تا کشف اسرار لاهوت شوی و واقف بر اسرار ناسوت.

و سؤال از آیه ۳۰ - در فصل ۱۴ - از کتاب یوحنا نموده بودید که حضرت مسیح فرموده "دیگر با شما بسیار صحبت نخواهم نمود. چه که مالک این دنیا می آید و هیچ چیز در من ندارد" مالک دنیا جمال مبارک است و هیچ چیز در من ندارد معنیش اینست که بعد از من کلّ از من مستفیضند اما او مستقل است و از من فیض نگیرد. یعنی مستغنی از فیض من است.

اما سؤال از کشف ارواح بعد از خلع اجسام نموده بودید البته آنعالم عالم کشف و شهود است زیرا حجاب از میان بر خیزد و روح انسانی مشاهده نفوس مافوق و مادون و هم رتبه را می نماید.

مثالش، انسان وقتی که در عالم رحم بود حجاب در بصر داشت. و جمیع اشیا مستور. چون از عالم رحم تولّد شد باینجهان و اینعالم بالنسبه بعالم رحم عالم کشف و شهود است لهذا مشاهده جمیع اشیا را ببصر ظاهر مینماید. بهمچنین چون از اینعالم بعالم دیگر رحلت کرد. آنچه در این عالم مستور بوده در آن عالم مکشوف گردد. در آنعالم بنظر بصیرت جمیع اشیا را ادراک و مشاهده خواهد نمود. اقران و امثال و مافوق خود و مادون خویش را مشاهده خواهد کرد.

و اما تساوی ارواح در عالم اعلی مقصود اینست که ارواح مؤمنین در وقت ظهور در عالم جسد متساویند و کلّ طیب و طاهر اما در اینعالم امتیاز پیدا خواهند کرد بعضی مقام اعلی یابند و بعضی حد اوسط جویند و یا در بدایت مراتب این تساوی در مبدء وجود است و این امتیاز بعد از صعود.

و در خصوص ساعیر مرقوم نموده بودید. ساعیر محلی است در جهت ناصره در جلیل واقع.

اما در خصوص بیان ایوب که در آیه ۲۵ و ۲۷ در فصل ۱۹ میفرماید "اما من دانستم که ولی من زنده است و دیگری بر زمین قیام خواهد نمود" ولی در اینجا مراد خداست. و معنی ثانیش جانشین است. مراد آنکه ناصر و معین من حق است و یا بعد از من جانشین در مقام من قیام خواهد نمود و من بعد از خود جانشینی دارم. و چون از اینعالم صعود نمایم مشاهده جمال الهی را بدون چشم ظاهری کنم و همین آیه دلیل است که از این عالم بعالمی خواهد رفت که بصر جسدی ندارد یعنی جسمانی نیست روحانی محض است و در آنعالم ببصیرت روح مشاهده جمال الله نماید.

و اما اورشلیم که به بیابان خواهد رفت در مکاشفات یوحنا در اصحاح ثانی عشر مذکور و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد زنی که آفتاب را در بردارد. و ماه زیر پایهایش مراد از این زن شریعة الله است که اورشلیم آسمانیست زیرا باصطلاح کتب مقدسه اورشلیم آسمانی کتایه از شریعة الله است که در اینجا تعبیر بزنی شده است.

و دو کوكب شمس و قمر. یعنی دو سلطنت ترک و فرس در ظلّ شریعة الله هستند شمس علامه دولت فرس است. و قمر که هلال باشد علامت دولت ترک و دوازده اکلیل دوازده امامند که مانند حواریین تأیید دین الله نمودند و ولد مولود جمال معبود است که از شریعة الله تولّد یافته.

بعد میفرماید که آن زن فرار به بریه کرد یعنی شریعة الله که مسمی باورشلیم آسمانی است از فلسطین بصحرای حجاز انتقال نمود. و در آنجا هزار و دویست و شصت سال اقامت کرد یعنی تا یوم ظهور ولد

موعود واین معلوم است که در کتاب مقدس هر روز عبارت از یک سال است و علیک التّحیّة و
الثّناء عکا - ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۲۱ هـ عع

